

خلاصه مقاله:

توسعه پایدار انسانی مقولاتی همچون موارد ذیل را در بر می گیرد:

۱- «عدالت اجتماعی»، ۲- «وحدت و انسجام اجتماعی»، ۳- «کیفیت زندگی»، ۴- «کیفیت مردم و ظرفیتهای انسانی»، ۵- «پایداری عوامل فرهنگی، اجتماعی، مسایل اخلاقی، مالی، سیاسی و محیطی»، ۶- «برابری طبقات و گروههای اجتماعی، روابط قدرتها، روابط طبقات و نژادها و...»، ۷- «توسعه انسانی و حرکت در جهت دموکراسی و آزادی سیاسی، حقوق انسانها و غیرنظامی شدن جهانی»، ۸- «مشارکت و حرکت در جهت توسعه مردم سالاری، اقتدار، حفظ آداب و سنن فرهنگی، همکاریهای متقابل و مستطیع سازی و شرکت در تعیین سرنوشت»، ۹- «توسعه بنیادی در سطح بین المللی، ملی، ناحیه ای و محلی به صورت سیستمی»، ۱۰- «ارزیابی ظرفیتهای، قابلیت ها و مطلوبیت ها از یک سو، محدودیتهای و تنگناها از سوی دیگر»، ۱۱- «اصلاحات ساختاری در خصوصی سازی، لیبرالیسم و بخشهای اقتصادی رسمی و غیررسمی»، ۱۲- «حمایتهای محیطی و مدیریتی از منابع محیطی و سکونتگاههای محروم شهری و روستایی و اqtشار آسیب پذیر».

همه آنچه را که در بالا ذکر شد، شاید بتوان «اصلی ترین آرمانهای همیشگی بشری» برشمرد، اما تحقق این موارد اگر محال نباشد، چندان ساده هم نیست. با استدلالهای علمی و منطقی می توان در پرتو ابتکار ریاست محترم جمهوری جناب آقای سید محمد خاتمی تحت عنوان «گفتگوی تمدنها» به این آرمانها نزدیک شد و به بخش زیادی از آنها جامعه عمل پوشاند.

نشستن آموزه جهانی گفتگوی تمدنها به جای تئوریهای سیاسی نظم نو جهانی، جهان تک قطبی، و تئوری کهنه اما مدرنیزه شده «قانون جنگل»، مقبول ۶ میلیارد جمعیت جهان و باطناً مغضوب رأس هرم در تئوری نظم نو جهانی یعنی آمریکاست. ویژگی مهم گفتمان تمدنها، این است که در بیش از نیم قرن عمر سازمان ملل متحد این تنها تئوری و پیشنهادی بوده که بیشترین فرآپوشی را از نظر منافع جهانی و بیشترین مخاطره را برای ابرقدرتها و کمپانیهای بزرگ تسلیحاتی و نظامی به دنبال داشته است. بی گمان اندیشه دنیایی بدون جنگ، اندیشه تشنج زدایی و صلح گرایی، به برقراری توازن قدرت در سطح جهانی کمک خواهد کرد. از همین روست که پس از طرح موضوع گفتگوی تمدنها در سازمان ملل، «تئوریها و اندیشه های صلح» در کنار دروس پایه ای و چندصد ساله «تئوریها و اندیشه های جنگ» در دانشگاههای معتبر جهان از جمله دانشگاههای آلمان پامی گیرد. در این مقاله سعی خواهد شد با استفاده از استدلالهای علمی و منطقی، (بدون موضع گیری خطی و جناحی)، «نقش گفتمان تمدنها در توسعه پایدار انسانی» ترسیم گردد.

از محاسن اصلی این تئوری و ویژگی منحصر به فرد آن این است که تنها اندیشه بدون مخالف شناخته شده است.

نکته دیگر این که تلاشهای دشمنان در طول سالهای گذشته به منظور تخریب چهره ایران را تا اندازه زیادی خنثی کرده و در سطح جهانی و جهت تازه ای به جمهوری اسلامی بخشیده است.

بر اساس آخرین تعریفی که از جغرافیا در کنگره جغرافیدانان آمریکا ارائه شده است، جغرافیا «علم زندگی» است و با توجه به اینکه در تحلیل سیستمی از مسایل جغرافیایی، تأکید بر نظام و الگوی فضایی زندگی است، لذا از آنچه تا کنون به ذکر آن پرداختیم و بر پایه آنچه در ارتباط تنگاتنگ با مباحث توسعه پایدار انسانی، گفتگوی تمدنها و ماهیت و قلمرو جغرافیا استنباط می شود، می کوشیم به تحلیل تعامل مثلث «جغرافیا»، «توسعه پایدار» و «گفتگوی تمدنها» بپردازیم.

پیشبردار امر توسعه بدون استمرار مدیریتی هوشمندانه و همه جانبه مقدر نیست و بر نامه ریزی بعنوان مجموعه ای از تدابیر سنجیده، ابزار اصلی چنین مدیریتی است و گویی پیشرفت آن مترادف است با تسهیل و تسریع روند توسعه.

گفتمان تمدنها:

اصولی ترین راهکار

دستیابی به توسعه

پایدار انسانی

(با تأکید بر جایگاه استراتژیک ایران)

نویسندگان: دکتر علی زنگی آبادی

استادیار دانشگاه اصفهان

مهمین نستران دانشجوی دوره دکتری

۱- بازتاب فضایی سیاست «گفتگوی تمدن‌ها»:

سیاست‌های فضایی وقتی کارساز است که هدفش بالا بردن سطح زندگی و رفاه اجتماعی باشد. سازماندهی سکونتگاه‌های انسانی باید به گونه‌ای انجام پذیرد که گروه‌های کم درآمد از توسعه اجتماعی-اقتصادی بهره‌مند گردند.

بازتاب سیاست فضایی «گفتگوی تمدن‌ها» نه تنها عملکرد مثبت ملی و منطقه‌ای خواهد داشت بلکه در مقیاس بین‌المللی نیز بسیار مؤثر خواهد بود و دنیای بدون جنگ آینده‌ای امیدبخش برای محرومان جهان ترسیم خواهد کرد. هدف اصلی این سیاست جهانشمول بالا بردن سطح زندگی و رفاه اجتماعی و سازماندهی سکونتگاه‌های انسانی است و به گونه‌ای عمل خواهد کرد که گروه‌های کم درآمد از توسعه اجتماعی-اقتصادی بهره‌مند گردند. این موضوع بدون شک در کشورهای در حال توسعه نیز انعکاس خواهد یافت، هرچند تاکنون سیاست‌های فضایی در این کشورها کمتر به ایجاد فرصت‌های مناسب برای بهره‌مندی توده‌های محروم از توسعه اجتماعی-اقتصادی منجر شده است و در اقتصاد مادرشهری، زمینه‌هایی فراهم بوده است که گروه‌های پردرآمد شهری از اوضاع موجود بیشتر بهره‌مند شوند تا گروه‌های کم درآمد.

۲- فرم‌های فضایی، فرایندهای انسانی و «گفتگوی تمدن‌ها»:

یک فرایند ممکن است مداومت و توالی منظم و مشخص یک پدیده محسوب شود یا انجام عملی را در مسیر معین و در بستر زمان که به نتایج کامل برسد، نشان دهد. فرایند را هر کس می‌تواند به کار

گیرد، اما آنچه در جغرافیا مهم است، شناخت مفهوم فرایند مکانی-فضایی است. در این مفهوم، فرایند شامل تغییر پدیدارها در مکان و در زمان است. از این رو، در علم جغرافیا، فضا و زمان نمی‌تواند جدا از هم باشد. چنین می‌نماید که ساختارهای فضایی-مکانی، فرایندهایی آرام در بستر زمان است. برپایه این اصل، قوانین فرایند در طول زمان تغییر می‌یابد.^۱

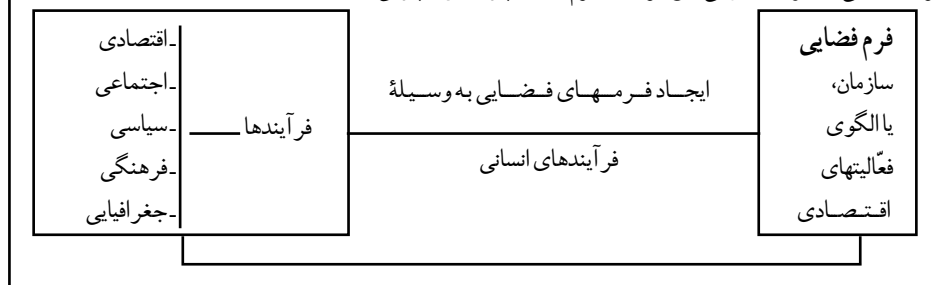
دیوید هاروی در اثر معروف خود به نام عدالت اجتماعی و شهر^۲، وابستگی فرم‌های فضایی و فرایندهای اجتماعی به یکدیگر را بعنوان یک ضرورت جغرافیایی (تأثیرات متقابل) مطرح کرد.^۳ عده‌ای از جغرافیدانان، فرایند و فرم را یکی می‌دانند اما اغلب جغرافیدانان فرایند را به مفهوم تغییر و توالی به کار می‌گیرند و آن را به منزله توالی عملکردهایی می‌دانند که در نهایت به یک نتیجه کلی می‌انجامد. نظریهٔ پخش نوآوری، مثال خوبی بر تحلیل فرایندی است.^۴

براین اساس، در این مطالعه با تحلیل تأثیر «گفتگوی تمدن‌ها» به مطالعه فرم‌های فضایی در سطح جهانی و در داخل کشور پرداخته و برپایه مطالب پیش گفته و مطالب آینده در می‌یابیم که این فرم‌ها نتیجه و پیامد فرایندهای چند دهه گذشته است که باید تأثیر آنها را در ساخت فرم‌ها دید. در واقع، در این پژوهش در می‌یابیم که فرایندها و فرم‌ها به صورت مدار علی عمل کرده و فرایندها پدیدآورنده فرم‌ها شده و متقابلاً فرم‌ها نیز بر فرایندها اثر گذاشته است و در آینده نیز اثر خواهد داشت. با توجه به اینکه فرم‌ها و فرایندها در بستر زمان متحول می‌شود، می‌توان تحولات فرم و فرایند را در این مطالعه در جهت بهینه‌سازی وضع موجود هدایت کرد؛ البته باید توجه داشت که یک فرم

○ نرخهای رشد، تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه و... از شاخصهای فریبنده توسعه اقتصادی است که پرده‌ای سنگین بر نابرابریهای طبقاتی، تراکم سرمایه در دست بخش کوچکی از جامعه، یا دیگر تبعیض‌های اقتصادی-اجتماعی می‌کشد. از همین رو، به جای پرداختن به تولید ناخالص ملی باید به فکر رفاه ناخالص ملی و توسعه اجتماعی بود.

دیگرام شماره ۱: روابط متقابل: تأثیر فرم‌های فضایی در فرایندهای انسانی

نگرش فضایی به منزله هم‌توانی بین فرایند و فرم از (۲): پتر دیکن و پتر لی لوید



حاصل مجموعه‌ای از فرایندهاست. لذا با مطالعه دقیق‌تر فرایندهای گوناگون علی، ساختار نظام اجتماعی، متوجه تأثیرات محلی و ناحیه‌ای و پیکره توزیع فضایی فرمها می‌شویم.

۳- مفهوم «توسعه» و رابطه آن با «گفتگوی تمدنها»:

واژه توسعه در اقتصاد، جنبه‌های کیفی را نیز دربرمی‌گیرد و ناظر به بهبود وضع زیرساختهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی، فرهنگی و... به همراه تعادل است. رشد در اقتصاد مقدمه توسعه است. «توسعه، اساساً یک عملکرد انسانی است که در آن همه مردم جامعه به طور کامل بسیج می‌شوند. دور باطل فقر و مرض شکسته می‌شود؛ کیفیت زندگی همه مردم در همه نواحی جغرافیایی، بهبود می‌یابد؛ در همان حال، مفهوم تازه‌ای از روابط کشور با سایر کشورها در سطوح بین‌المللی مطرح می‌گردد.»^{۱۱} مورد اخیر، در شرایط کنونی در حال تحقق است. سفرهای ایشان به آمریکا و سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سفر به کشورهای عربی بویژه عربستان، سفر به ایتالیا و فرانسه و آلمان و طرح نظریه ارزشمند «گفتگوی تمدنها» آثار غیر قابل انکاری داشته است.

توسعه است. «توسعه، اساساً یک عملکرد انسانی است که در آن همه مردم جامعه به طور کامل بسیج می‌شوند. دور باطل فقر و مرض شکسته می‌شود؛ کیفیت زندگی همه مردم در همه نواحی جغرافیایی، بهبود می‌یابد؛ در همان حال، مفهوم تازه‌ای از روابط کشور با سایر کشورها در سطوح بین‌المللی مطرح می‌گردد.»^{۱۱} مورد اخیر، در شرایط کنونی در حال تحقق است. سفرهای ایشان به آمریکا و سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سفر به کشورهای عربی بویژه عربستان، سفر به ایتالیا و فرانسه و آلمان و طرح نظریه ارزشمند «گفتگوی تمدنها» آثار غیر قابل انکاری داشته است.

«ایشان در سخنرانی تاریخی خود از: فلسفه وجودی و هویت انسان، از لزوم عدالت و برابری حقوق انسانها، از ضرورت محو شدن سلطه در مناسبات جهانی، از صلح، از تنش زدایی و آینده بشریت سخن گفت.

پیشنهاد ایشان برای نامگذاری سال ۲۰۰۱ بعنوان سال گفتگوی تمدنها، همه را شگفت زده کرد و با تصویب این پیشنهاد در مجمع عمومی سازمان ملل، جهان پذیرفت که هزاره سوم میلادی به نام جمهوری اسلامی ایران آغاز شود.»^{۱۲}

توسعه عبارت است از گسترش دادن یک پدیده در ابعاد مختلف به گونه‌ای که جامعیت داشته و دربرگیرنده توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تغییرات رفتار فردی باشد. بنابراین، توسعه پدیده‌ای یک بُعدی نیست. از طرفی می‌توان آن را در مقابل اقتصاد به کار برد، مشروط بر اینکه توسعه

۴- مفهوم معیارهای توسعه اجتماعی:

نرخهای رشد، تولید ناخالص ملی^{۱۳} و درآمد سرانه، از شاخصهای فریبنده توسعه اقتصادی است که پرده‌ای سنگین بر نابرابریهای طبقاتی، تراکم سرمایه در دست بخش محدودی از جامعه یا سایر تبعیضهای اقتصادی-اجتماعی می‌کشد. به همین دلیل دویی^{۱۴} معتقد است که به جای پرداختن به تولید ناخالص ملی^{۱۳} باید به فکر رفاه ناخالص ملی^{۱۴} و توسعه اجتماعی باشیم.

در بحث توسعه اجتماعی نیز مانند بسیاری از دیگر مفاهیم اقتصادی و اجتماعی، دو دیدگاه عمده «رفاه‌گر» و «مارکسیستی» وجود دارد.

■ نظریه پردازان غیر مارکسیست و «رفاه‌گر»، مفهوم توسعه اجتماعی را در حرکت به سوی کیفیت بهتر زندگی می‌بینند. برای مثال، از نظر وارنر^{۱۵}: «توسعه اجتماعی عبارت است از امکانات زندگی مردم در جامعه»؛ اما امکانات زندگی قلمرو گسترده‌ای دارد. و بر^{۱۶} معتقد است که شانس زندگی عبارت است از «امکان دستیابی به شرایط مناسب تر و تجربیات زندگی شخصی بهتر». از سوی دیگر، میلز و گرت^{۱۷} گستره زیادی برای مفهوم شانس زندگی قائل شده‌اند که هر چیزی را شامل می‌شود و امکانات زندگی از یک سالگی تا فرصت دیدن هنرهای زیبا، بهره‌مندی از تندرستی، رشد و... را فراهم می‌کند. از نظر سازمان ملل نیز هدف نهایی توسعه، ارائه فرصتهای مناسب به مردم برای زندگی بهتر، از طریق دسترسی به تسهیلات آموزشی، بهداشتی، رفاهی، تغذیه، مسکن و غیره است.

○ از نظر سازمان ملل متحد، هدف نهایی توسعه، عرضه شدن فرصتهای مناسب به مردم برای زندگی بهتر، از راه دسترسی به تسهیلات آموزشی، بهداشتی، رفاهی، خوراک، مسکن و غیره است.

■ در مقابل نظریه پردازان رفاه گرا، «دیدگاههای مارکسیستی» وجود دارد که در بحث توسعه اجتماعی بر ارزشهای مبتنی بر برابری اجتماعی تأکید می کند. برای نمونه، از نظر دونگ کیم^{۱۸}، توسعه اجتماعی در جهای از ساختار اجتماعی است که به اکثریت محروم جامعه نه تنها اجازه تقاضا برای برخورداری از سهم خود از منابع ملی می دهد، بلکه در جهت رسیدن به آن هدف، آنها را یاری می کند؛ از نظر او، اگر تغییر ساختاری

جامعه در مسیری باشد که فرصت های لازم را برای دستیابی توده محروم به سهم خودشان از منابع ملی در اختیار آنها قرار دهد، این مسیر، در اصل همان فرایند توسعه است. در واقع، فرایند توسعه اجتماعی، از دیدگاه آنان، فرایندی است در جامعه عاری از استثمار و استثمار اجتماعی.

■ متفکران دیگری نیز بوده اند که به بررسی مفهوم توسعه اجتماعی پرداخته اند. پایو^{۱۹} افزایش ظرفیت و توانایی مردم برای فعالیت مداوم در جهت

○ در برابر دیدگاههای رفاه گرا، دیدگاههایی وجود دارد که در بحث توسعه اجتماعی بر ارزشهای مبتنی بر برابری اجتماعی تأکید می کند. از نظر دونگ کیم، اگر تغییر ساختاری جامعه در مسیری باشد که فرصت های لازم را برای دستیابی توده محروم به سهم خودشان از منابع ملی در اختیارشان بگذارد، این مسیر در اصل همان فرایند توسعه است.

(دیاگرام شماره ۲)

■ معیارهای سنجش توسعه اجتماعی:

- ۱- عدالت اجتماعی:
- الف) نحوه توزیع ثروت و درآمد در جامعه
 - ب) میزان برخورداری از منابع ملی؛
 - پ) نحوه توزیع قدرت در جامعه
 - ت) شکاف بین شهر و روستا؛
 - ث) میزان تبعیض بین مرد و زن
 - ج) شکاف بین فقیر و غنی؛
 - چ) میزان فاصله طبقاتی
 - ح) میزان عدم تعادل های منطقه ای در زمینه برخورداری از امکانات و خدمات
 - خ) نحوه توزیع بودجه بین مناطق و بخش های اقتصادی.
- ۲- وحدت و انسجام اجتماعی:
- الف) وضع اقلیت های قومی و میزان وفاق اجتماعی؛
 - ب) میزان مشارکت اجتماعی گروه های مختلف نژادی و قومی؛
 - پ) میزان برخورد و تضاد فرهنگی در جامعه؛
 - ت) میزان تنش های قومی و نژادی؛
 - ث) میزان درگیری های دینی و مذهبی؛
 - ج) میزان کشمکش های داخلی و منطقه ای.
- ۳- کیفیت زندگی:
- الف) میزان دسترسی به امکانات آموزشی (توسط مردان، زنان، شهر و روستا)؛
 - ب) میزان برخورداری از امکانات ورزشی، تفریحی و اوقات فراغت؛
 - پ) میزان برخورداری از امکانات بهداشت فردی و اجتماعی و بهره مندی از سلامت جسمی (دسترس به پزشک، بیمارستان، دارو و...)
 - ت) میزان برخورداری از تسهیلات بهداشتی روانی؛
 - ث) دسترسی به خدمات زیربنایی (شامل امکانات حمل و نقل، ارتباطات، برق، آب آشامیدنی سالم و...)
 - ج) کیفیت محیط زندگی (مسکن، محیط همسایگی و...)
 - چ) وضع تغذیه؛
 - ح) نرخ مرگ و میر کودکان؛
 - خ) امید به زندگی؛
 - د) وضع کهنسالان و از کار افتادگان؛
 - ذ) ثبات خانوادگی؛
 - ر) میزان آسیب های اجتماعی؛
- ۴- کیفیت افراد و ظرفیت های انسانی:
- الف) نرخ باسوادی (در میان مردان، زنان، شهر و روستا)؛
 - ب) میزان شهرنشینی؛
 - پ) درصد افراد با تحصیلات دانشگاهی، فنی و حرفه ای.^{۲۲}

تأمین رفاه خود و جامعه، و توسعه و تحوّل نهادهای اجتماعی در جهت رفع نیازهای مردم در تمام سطوح، بویژه سطوح پایین را دو بُعد اصلی توسعه اجتماعی می‌داند؛ بدان گونه که در این فرایند روابط میان مردم و نهادهای اجتماعی و اقتصادی ابزارهای تأمین نیازهای اجتماعی را فراهم آورد و از طریق تغییر نهادهای اجتماعی و بهره‌گیری از منابع موجود در جامعه تعادل بین نیازهای کمی و کیفی جامعه پدید آید. بنابراین، از نظر او ارتباطی نزدیک بین توسعه اجتماعی و عدالت اجتماعی وجود دارد و هدف نهایی توسعه اجتماعی دستیابی به جامعه‌ای انسانی‌تر از طریق نهادها و سازمانهایی است که به گونه مناسب پاسخگوی نیازهای مردم باشد.^{۲۰}

۵- توسعه انسانی:

بر اساس «گزارش توسعه انسانی» سال ۱۹۹۵، توسعه انسانی فرایندی است که دامنه حق انتخاب از سوی مردم را گسترده‌تر می‌سازد. در واقع این انتخابها، یا گزینه‌ها، پایانی ندارد و می‌تواند در طول زمان دستخوش تغییر و تحوّل شود. گزارش مذکور، توسعه انسانی را دارای دو جنبه می‌داند: یکی شکل‌گیری توانمندیهای انسانی نظیر افزایش سطح سلامت، دانش و مهارت، و دیگری به کارگیری این توانمندیهای اکتسابی در راه مقاصد سازنده، کسب آسایش و آرامش یا فعالیت در امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی. این گزارش می‌افزاید: اگر معیارهای توسعه انسانی نتواند تعادل لازم بین این دو جنبه را برقرار سازد، ممکن است انسان سخت دچار احساس ناکامی گردد.

مفهوم توسعه انسانی به مراتب گسترده‌تر از مفاهیم قراردادی توسعه اقتصادی است، زیرا الگوهای رشد اقتصادی عموماً با گسترش GNP اندازه‌گیری می‌شود تا بهبود کیفیت و سطح زندگی انسان.^{۲۳}

در واقع، توسعه انسانی دارای مفهوم مقدّسی است که در آن، انسانها با تواناییهای خاصی پا به دنیا می‌گذارند. هدف از توسعه ایجاد محیطی است که در آن همه مردم بتوانند تواناییهای خود را گسترش دهند و هم برای نسلهای حاضر و هم برای نسلهای آینده، فرصتهای وسیعتری فراهم آید. جهانشمولی در شناختن مطالبات حیاتی همه آحاد بشر، شالوده واقعی توسعه انسانی است.

در واقع، «جهانشمولی مطالبات حیاتی» در الگوی توسعه انسانی پایدار، بدین معناست که حیات انسانی فی نفسه واجد ارزش و اهمیت است. در چنین الگویی، ارزش حیات انسانی از آن جهت نیست که مردم می‌توانند کالاهای مادی تولید کنند بلکه در این الگو حیات هیچ فردی را بیش از زندگی فردی دیگر ارج نمی‌نهند. هیچ نوزادی نباید به علت آنکه اتفاقاً در «طبقه اشتباهی» یا در

تأمین رفاه خود و جامعه، و توسعه و تحوّل نهادهای اجتماعی در جهت رفع نیازهای مردم در تمام سطوح، بویژه سطوح پایین را دو بُعد اصلی توسعه اجتماعی می‌داند؛ بدان گونه که در این فرایند روابط میان مردم و نهادهای اجتماعی و اقتصادی ابزارهای تأمین نیازهای اجتماعی را فراهم آورد و از طریق تغییر نهادهای اجتماعی و بهره‌گیری از منابع موجود در جامعه تعادل بین نیازهای کمی و کیفی جامعه پدید آید. بنابراین، از نظر او ارتباطی نزدیک بین توسعه اجتماعی و عدالت اجتماعی وجود دارد و هدف نهایی توسعه اجتماعی دستیابی به جامعه‌ای انسانی‌تر از طریق نهادها و سازمانهایی است که به گونه مناسب پاسخگوی نیازهای مردم باشد.^{۲۰}

بنابراین، با قبول این تفکیک، «توسعه اجتماعی» را می‌توان چنین تعریف کرد: توسعه اجتماعی یکی از ابعاد اصلی فرایند توسعه و بیانگر کیفیت سیستم اجتماعی، در راستای دستیابی به: «عدالت اجتماعی»، ایجاد «یکپارچگی و انسجام اجتماعی»، افزایش «کیفیت زندگی» و ارتقاء «کیفیت انسانها» است. بر اساس این تعریف، هدف «عدالت اجتماعی» کاهش عدم تعادلها و تبعیض بین افراد می‌باشد. از طریق عدالت اجتماعی انتظار می‌رود فاصله طبقاتی، تبعیض و استثمار در جامعه به حداقل برسد و توزیع درآمد، سرمایه و قدرت به گونه‌ای مناسب تر انجام گیرد، شکاف بین فقیر و غنی، شهر و روستا و مرد و زن از میان برود و از نظر جغرافیایی نیز عدم تعادلها بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای به حداقل برسد.^{۲۱}

بر پایه آنچه در بالا ذکر شد، در می‌یابیم که ارتباطی نزدیک بین توسعه اجتماعی و عدالت اجتماعی وجود دارد. هدف نهایی توسعه اجتماعی، دستیابی به جامعه‌ای انسانی‌تر در پرتو نهادها و سازمانهایی است که به گونه مناسب پاسخگوی نیازهای مردم باشد و این همان چیزی است که در جغرافیا می‌توان آن را تعادل فضایی نامید. توسعه فضایی یا توسعه اجتماعی، هر کدام یکی از ابعاد اصلی فرایند توسعه و بیانگر کیفیت نظام اجتماعی در راستای دستیابی به یکپارچگی و انسجام اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی و ارتقاء

○ پیوند نزدیک میان توسعه اجتماعی و عدالت اجتماعی وجود دارد و هدف نهایی توسعه اجتماعی دستیابی به جامعه‌ای انسانی‌تر، در پرتو نهادها و سازمانهایی است که به گونه مناسب پاسخگوی نیازهای مردم باشد.

ملّی یا موجودی منابع محیط طبیعی را تهی نسازد.^{۳۰}

موضوعات اصلی که برای توسعه پایدار بوسیله «کمیسیون جهانی محیط و توسعه»، تعیین شده به شرح زیر است:

- جمعیت و توسعه؛ ● امنیت غذایی؛
- گونه‌ها و اکوسیستمها؛ ● انرژی؛ ● صنعت؛
- رقابت شهری.^{۳۱}

۷- توسعه انسانی پایدار:

توسعه انسانی پایدار به معنای آن است که ما اخلاقاً موظفیم در حق نسل بعدی دست کم به همان خوبی عمل کنیم که نسل پیش از ما، در حق ما، عمل کرده است. توسعه انسانی پایدار به این معنی است که سطح کنونی مصرف را نمی توان برای مدتی طولانی با بالا آوردن بدهی و قرضی که دیگران باید ادا کنند، حفظ کرد. این توسعه همچنین به معنای آن است که برای اجتناب از پدید آوردن بدهی اجتماعی برای نسلهای آینده، باید در آموزش و پرورش و حفظ سلامت جمعیت کنونی، سرمایه‌گذاری کافی به عمل آید و بالاخره، توسعه پایدار انسانی به معنای آن است که منابع باید به شیوه‌هایی مورد استفاده قرار گیرد که با بهره‌گیری بیش از اندازه از ظرفیت کششی و تولیدی زمین، بدهیهای زیست-محیطی برای آینده به بار نیاید.

همه بدهیهای به تعویق افتاده، چه بدهیهای اقتصادی و چه بدهیهای اجتماعی و زیست-محیطی، پایداری را به گرو می‌گیرد. این بدهیها در واقع قرض گرفتن از آینده است و به سرقت بردن فرصتهای مشروع نسلهای آینده. از همین رو، راهبرد توسعه پایدار انسانی به تجدید همه ذخایر، اعم از فیزیکی، انسانی یا طبیعی، معطوف است تا از این طریق ظرفیت نسلهای آینده، برای برآوردن نیازهاشان، دست کم در همان سطحی که برای نسلهای کنونی امکان‌پذیر بوده است، حفظ شود.^{۳۲} الگوهای توسعه‌ای که بی‌عدالتیهای کنونی را تداوم بخشد، نه پایدار است و نه ارزش حفظ شدن دارد. به همین دلیل است که توسعه پایدار انسانی مفهومی جامع‌تر از توسعه پایدار است.^{۳۳} از اوایل دهه ۱۹۸۰، این مفهوم یکی از نقاط تمرکز اصلی

«کشور اشتباهی» به دنیا آمده یا از «جنس اشتباهی» است، محکوم به مرگ زودرس، یازندگی فلاکت‌بار گردد.^{۲۴} در واقع یکی از راههای دستیابی به توسعه پایدار برقراری عدالت بویژه، عدالت توزیعی^{۲۵} است. منظور از عدالت توزیعی، برابری فرصتها است نه برابری کامیابیها و درآمدها، گرچه در یک جامعه متمدن باید در آمد پایه‌ای حداقلی برای همه آحاد جامعه وجود داشته باشد.

۶- مفهوم توسعه پایدار:

تعریف توسعه پایدار: توسعه، همچون رضایت در دستیابی به نیازهای اساسی و بهبود کیفیت زندگی انسان است.^{۲۶}

در توضیح دقیق توسعه پایدار باید گفت که این نوع توسعه موارد زیر را در بر می‌گیرد:

۱- کمک به افراد بسیار فقیر، چرا که تصور درستی از تخریب و انهدام محیط‌شان در ذهن ندارند.

۲- ایده توسعه متکی به خود، بدون تخریب منابع محیطی.

۳- ایده توسعه با ارزش، با معیارهای اقتصادی متکی بر روشهای سنتی مغایر است. چرا که این توسعه نباید کیفیت محیط را تنزل بخشد و نیز نباید در درازمدت تولیدات را کاهش دهد.

۴- موضوعات مهم آن شامل: حفظ سلامت، فنون اختصاصی، خودکفایی غذایی، آب سالم، و سربانه برای همگان است.

۵- تفکری که مردم‌سالاری را تقویت نماید مورد نیاز است، چرا که وجود انسانی در واقع منبع مهم این تفکر به‌شمار می‌آید.^{۲۷}

جامعه پایدار دارای نوعی زندگی بدون اتکای همیشگی به محیط است. این به معنای جامعه بدون رشد نیست، بلکه جامعه‌ای مدّ نظر است که محدودیتهای رشد را تشخیص دهد و در جستجوی روشهای جایگزین باشد.^{۲۸}

اصطلاح توسعه پایدار به درسهایی از توان اکولوژی اشاره دارد که باید در فرایندهای اقتصادی به کار گرفته شود.^{۲۹} اصولاً، این سیاست (رشد پایدار) بهینه، به دنبال میزان قابل قبولی از رشد در آمد سرانه واقعی است که منابع موجود سرمایه

○ هدف عدالت

اجتماعی، کاهش نابرابری انسانها و تبعیض است: به حداقل رسیدن فاصله‌های طبقاتی و استثمار در جامعه؛ توزیع مناسب‌تر درآمد، سرمایه و قدرت؛ کاهش شکاف میان دارا و ندار، شهر و روستا، زن و مرد، و نیز کاهش عدم تعادل‌های بین منطقه‌ای و درون-منطقه‌ای و . . .

اصلی پیشرفت به حساب می‌آید. لذا، با نادیده‌انگاری، حذف، کم شدن یا سقوط آن پیشرفت نیز ماهیت خود را از دست می‌دهد.

۳- توسعه باید «فراگیر» باشد، بدین معنا که تمام جامعه یا بخش عمده آن را دربرگیرد و به عبارت بهتر، در به دست آوردن آن، همه یا اکثریت اعضای جامعه سهیم باشند.^{۳۵}

توسعه ویژگی‌های دیگری نیز دارد اما مهم آنها موارد سه‌گانه فوق است.

۹- نگرش سیستمی جغرافیا در مطالعه توسعه شهری و معیارهای آن:^{۳۶}

رابطه مطالعات جغرافیایی و مطالعات شهری بدین صورت است که محیط جغرافیایی که شهر در اشکال و ابعاد مختلف و با عملکردهای متفاوت بر پهنه آن جای گرفته است، میدان و فضای فعالیت و پویای شهری است. مطالعات جغرافیایی از این جهت با مطالعات شهری ارتباط می‌یابد که شهر بارزترین تجلیگاه و تبلور فضایی «نقشهای اساسی انسان» است؛ نقشهایی که ایفای آنها واقعیت وجودی انسان را در محیط عینیت می‌بخشد، با دخل و تصرف در محیط، سیما و پیکربندی آن را سازمانده می‌کند و به عبارت تی به محیط سامان می‌دهد. انسان با تولیدمثل، مسایل جمعیتی شهرها را مطرح می‌کند و با سکونت و کار، پدیده‌های مسکن، کار، تولید و سازمانهای فضایی مربوط به آنها را با جغرافیا مربوط می‌سازد.^{۳۷}

بنابر مطالبی که در زیر به ذکر آن خواهیم پرداخت، لازم است برای تبیین نگرش سیستمی، سیستم نیز تعریف شود. سیستم (نظام) را می‌توان چنین تعریف کرد:

«سیستم» عبارت است از ترکیبی از اجزاء و قسمت‌های مختلف یک مجموعه که به یکدیگر وابسته‌اند و روابط متقابل میان آنها به شکل خاصی سازمان یافته است.^{۳۸}

«سیستم^{۳۹} عبارت است از مجموعه‌ای از عناصری که بر یکدیگر، تأثیرات متقابل دارند. تغییر هر یک از عناصر سیستم، بر سایر عناصر سیستم اثر می‌گذارد و موجب تغییرات در کل سیستم^{۴۰} می‌شود.»^{۴۱} به طور کلی یک سیستم از

برنامه‌های بخش فرهنگی یونسکو بوده است. در همین حال، توجه به عوامل غیراقتصادی توسعه، در سایر نهادهای سازمان ملل متحد نیز افزایش یافته است. به این ترتیب، توجه بیشتری به جنبه‌های اجتماعی و در مواردی معین به جنبه‌های فرهنگی توسعه و ضابطه‌مندی مفاهیم جدید در این زمینه یعنی توسعه پایدار و توسعه انسانی شده است.^{۳۴}

(دیگرام شماره ۳)

■ مفاهیم و موضوعات انتخاب شده توسعه پایدار:

□ ۱- پایداری: (الف- عوامل فرهنگی- اجتماعی. ب- مسایل اخلاقی. پ- عوامل مالی. ث- عوامل محیطی. ج- عوامل سیاسی.)

□ ۲- کاهش فقر: (الف- فقر نسبی و مطلق. ب- شبکه حفاظت از فقر.)

□ ۳- نابرابری روابط اجتماعی: (الف- طبقات و گروههای اجتماعی. ب- روابط قدرتها. پ- روابط طبقات. ت- روابط نژادی. ث- شرایط خاص. ج- تضادهای جالب.)

□ ۴- توسعه انسانی: (الف- دموکراسی و آزادی سیاسی. ب- حقوق انسانها. پ- غیرنظامی شدن.)

□ ۵- مشارکت: (الف- توسعه مردم‌سالاری. ب- قدرت بخشی. پ- بسیج. ت- ارزیابی و برنامه‌ریزی مشارکتی. ث- آداب و سنن فرهنگی. ج- همکاریهای نقصدی و جنسی. چ- مستطیع‌سازی.)

۸- ویژگی‌های توسعه (همه جانبه، پیوسته و فراگیر):

توسعه باید خصایص مهم زیر را داشته باشد:

۱- توسعه باید «همه جانبه» باشد یعنی در همه زمینه‌های زندگی یک جامعه اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روی دهد تا بتوان ادعا کرد که توسعه همه جانبه بوده است. به عبارت دیگر «جمعیت و جامعه»، «اقتصاد و معیشت» و «فرهنگ و سنت» مقولاتی هستند که از توسعه متأثر می‌شوند.

۲- توسعه باید مستمر و پایدار باشد: توسعه پدیده‌ای است پویا که استمرار و پایداری آن مایه

○ یکی از راه‌های دستیابی به توسعه پایدار، برقراری عدالت، بویژه «عدالت توزیعی» است. منظور از عدالت توزیعی، برابری فرصتهاست نه برابری کامیابها و درآمدها.

عوامل زیر تشکیل می‌شود:

- ۱- مجموعه‌ای از عناصر با صفت مشخص.
- ۲- مجموعه‌ای از روابط میان عناصر سیستم.
- ۳- مجموعه‌ای از روابط میان عناصر سیستم و محیط آن.
- ۴- خصیصه سلسله مراتبی سیستم.
- ۵- امر تحول، بیانگر تغییرات در ساخت و کارکرد سیستم در طول زمان است.

نگرش سیستمی، چارچوب روش شناختی برای تحقیق و بررسی ساخت و کارکرد یک سیستم را فراهم می‌آورد و به جغرافیدان امکان می‌دهد که به منزله ابزار روش شناختی، فرم تازه‌ای از جامعیت جغرافیایی بنا کند. بر این باری و ریچارد چورلی عقیده دارند که نگرش سیستمی و نظریه عمومی سیستمها، نقش عمده‌ای در ادراک جغرافیایی ایفا می‌کند. دیوید هاروی می‌گوید اگر در جغرافیا نگرش سیستمی را رها کنیم، یکی از نیرومندترین روشهایی را که قادر است برای مسائل جهان پیچیده اطراف ما پاسخهای قانع کننده بیابد، از دست می‌دهیم. ما باید نگرش و تحلیل سیستمی را در جغرافیا به کار بگیریم.

در تحلیل سیستمی از مسایل جغرافیایی، تأکید بر نظام و الگوی فضای زندگی است. اصولاً سیستمهای جغرافیایی، تمایل به تعادل بخشی، حفاظت الگوها، انطباق با خودسازماندهی و از همه مهمتر، ساختهای سلسله‌مراتبی دارد. در یک سیستم، فضای جغرافیایی، هر خرده سیستم (زیرسیستم فرعی) کارکرد ویژه‌ای دارد. ۴۲ بنا بر مطالبی که از نظر گذشت و با توجه به سه خصیصه یاد شده برای هر سیستم در مطالعه توسعه شهری با دید همه‌جانبه، ضمن در نظر داشتن کنشها و واکنشهای متقابل، به بررسی علت و معلولی می‌پردازیم و توسعه شهرها را با نگرش سیستمی مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱۰- جغرافیای رفاه و سازماندهی نماگرهای توسعه:

جغرافیای رفاه، رویکردی در جغرافیای انسانی است که بر مسایل نابرابری ۴۳ تأکید دارد. رویکرد رفاه، نسبت به تأکیدات کمی ۴۴ و مدلسازی ۴۵ دهه

۱۹۶۰ میلادی، ناشی از واکنشی بنیادی بود که در رابطه با مشکلات آن عصر ناکافی به نظر می‌رسید. در دهه ۱۹۷۰ شاهد چرخشی عمده در جغرافیای انسانی به سوی مباحث «رفاه» از قبیل فقر، گرسنگی، جنایت، تبعیض و دسترسی به خدمات اجتماعی (برای مثال درمان و آموزش) بودیم؛ این امر با تغییر جهت عمده‌ای که در امور اجتماعی از معیارهای محدود اقتصادی پیشرفت و توسعه به سوی جنبه‌های گسترده‌تری از «کیفیت زندگی» صورت گرفت، مطابقت داشت. در دوره کودکی رشد اقتصادی بطئی در عصر حاضر، مباحث مربوط به توزیع (ثروت) اهمیت بیشتری کسب کرده چرا که در چنین شرایطی سیاستهای باز توزیع به نفع فقرا یا افراد محروم از لحاظ اجتماعی، تنها می‌تواند از جیب ثروتمندان یا اقشار مرفه‌تر ۴۶ جامعه عملی گردد. موضوع اصلی رویکرد رفاه این است که چه کسی ۴۷، چه چیزی را، در کجا و چه طور به دست می‌آورد؟

شناسایی تجربی نابرابری در توزیع ناحیه‌ای شامل شاخصهای اجتماعی توسعه می‌شود. این شاخصها می‌تواند عناصر خاص رفاه اجتماعی را در اندازه‌های مختلف ترکیب کند. شرایطی را که باید در نظر گرفت، عبارت است از درآمد، ثروت، اشتغال، مسکن، کیفیت زیست-محیطی، بهداشت، آموزش، نظم اجتماعی (به معنی فقدان جنایت، انحراف و سایر مواردی که ثبات و امنیت اجتماعی را تهدید می‌کند)، مشارکت اجتماعی، تفریح و اوقات فراغت. در عوض، موضوع اصلی می‌تواند پیرامون جنبه‌های منحصر به فرد رفاه اجتماعی از قبیل نابرابریها در دسترسی به درمان یا تجربه متفاوتی از یک معضل همچون سر و صدا، آلودگی هوا و غیره باشد. ۴۸

۱۱- جایگاه جغرافیا در تحلیل و سازماندهی ساختار فضایی نماگرهای توسعه شهری:

آقای دکتر حسین شکوئی در کتاب اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، معتقد است که: «جغرافیا: پراکنندگی، افتراق و باز ساخت مکانی-فضایی پدیده‌ها را در ارتباط با ساختار اجتماعی-

○ توسعه انسانی دو جنبه دارد: یکی شکل‌گیری توانمندیهای انسانی و دیگری به کار افتادن این توانمندیها در راه هدفهای سازنده، دستیابی به آسایش و آرامش، یا فعالیت در امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی. معیارهای توسعه انسانی باید تعادل لازم را میان این دو جنبه برقرار کند.

اهداف این تعریف را می توان به شرح زیر تفسیر کرد:

۱- هم اکنون، در جهان، آزمون تازه ای از فضا، مکان، زمان، و ژئوپلیتیک و سرمایه در جریان است. در این جریان، تنشهای شدید میان جهان گرایی و ناحیه گرایی، سوسیالیسم و مصرف گرایی، حقیقت و پرده نمایش، تحلیل جدلی میان گذشته و حال، آغاز شده است. در تبیین علمی این مسائل، هر جغرافیدان جهان سومی به هنگام تهیه يك اثر جغرافیایی، ابتدا باید در مورد مفاهیم زیر بیشتر اندیشه کند: چه نوع جغرافیا؟ برای چه زمانی؟ برای کدام ملت؟

از این رو، در عصر ما، تعاریف، مفاهیم و تحلیلهای جغرافیایی، باید سرشار از محتوای تفکر برانگیز و جهان نگر اجتماعی باشد. در تعریف فوق، بدانسان که در پی می آید بر این گفته تأکید شده است.

۲- جغرافیا، دارای سه ویژگی عمده است:

الف- تأکید بر مکان، بدین سان که در علم جغرافیا با گوناگونی مکانی-فضایی پدیده های طبیعی و انسانی روبرو هستیم.

ب- دومین ویژگی علم جغرافیا، تأکید بر روابط انسان و محیط است که حالت اکولوژیک یا بوم شناختی جغرافیا را نشان می دهد. ویژگی اکولوژیک به دو صورت بررسی می شود:

۱- تأثیر مردم بر طبیعت.

۲- تأثیر طبیعت بر مردم.

ج- سومین ویژگی جغرافیا، تحلیل ناحیه ای است که در آن رویکرد مکانی-فضایی و اکولوژیک (ویژگی های اول و دوم) ترکیب می شود. عده ای از جغرافیدانان، تحلیلهای ناحیه ای را بعنوان افتراق مکانی مطرح می کنند. ۵۰

در تعریف ایشان، سه ویژگی علم جغرافیا، یعنی گوناگونی مکانی-فضایی پدیده ها، روابط انسان و محیط، تحلیل ناحیه ای، کاملاً مورد نظر بوده است. با توجه به موارد گفته شده، منطقی است که به صورت گذرا، به مفاهیم به کار گرفته شده در تعریف، اشاره ای بکنیم: ۵۱

۱- مفهوم پراکندگی: علل پیدایش، سیر تکوینی، الگویابی، کیفیت پخش و در نهایت میزان اثر گذاری این پدیده های طبیعی و انسانی بر شیوه زندگی مردم، به مفهوم پراکندگی اعتبار علمی شایسته ای می بخشد. در مفهوم پراکندگی، نحوه آرایش مکانی-فضایی پدیده ها نیز مورد تأکید است؛ بدین سان که در این مفهوم، پیوند شرایط گذشته، حال و آینده مورد توجه قرار می گیرد و در تحلیل آن، علل شکل گیری و الگویابی پدیده ها، نظیر خوشه ای، خطی، پراکنده، متوازن، مترکم، منظم، نامنظم و تأثیر آرایش هندسی پدیده ها در شیوه زندگی مردم، اساس کار علم جغرافیا است. در جغرافیا، الگو و آرایش هندسی يك پدیده در حوزه معین می باشد و نظام یابی پدیده ها و الگویابی آنها روی نقشه پیاده می شود.

همه این شرایط با عنوان پراکندگی مکانی-فضایی پدیده ها مطرح می گردد. ۵۲ در مطالعه، علل پیدایش، سیر تکوینی، کیفیت پخش شدن عناصر، الگویابی و در نهایت میزان اثر گذاری این پدیده های مصنوع انسان در شهرها و توزیع جمعیت در آنها مورد توجه قرار گرفته، نحوه آرایش مکانی-فضایی پدیده ها و شاخصهای مورد مطالعه نیز مورد نظر بوده است. توجه به شرایط گذشته، حال و آینده در مورد شاخصهای کمی در این مطالعه و بررسی علل شکل گیری و الگویابی شاخصهای توسعه و نمایش پدیده ها روی نقشه، مد نظر قرار گرفته است.

۲- مفهوم افتراق: افتراق مکانی-فضایی پدیده ها، حاصل عوامل داخلی و خارجی است، از جمله: شرایط طبیعی، کارکرد ناحیه، ساختهای اجتماعی-اقتصادی، سیاست و ایدئولوژی نظام حاکم، میزان وابستگی به قدرتهای خارجی، شرایط ناحیه ای و... ۵۳

۳- مفهوم بازساخت: بازساخت، با تأثیر پذیری از اقتصاد سیاسی و شرایط اجتماعی، عملکردی در سطوح محلی، ناحیه ای و جهانی دارد؛ ناحیه ای را به رشد و توسعه می رساند و ناحیه دیگر را از رشد و توسعه باز می دارد. در زمان ما، تبیین بازساختی، از مفاهیم کلیدی علم جغرافیا به شمار می رود. ۵۴

○ توسعه اجتماعی یکی از ابعاد اصلی فرآیند توسعه و بیانگر کیفیت سیستم اجتماعی، در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی، یکپارچگی و انسجام اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی انسانها و... است.

۱۲- رابطه گفتگوی تمدنها و توسعه پایدار:

بحث «گفتگوی تمدنها» برای رسیدن به عدالت در همه عرصه‌ها و مکانهاست. یعنی همان عدالتی که افلاطون و ارسطو و اکثر فلاسفه از آن سخن به میان آورده‌اند. و از آنجا که یکی از اهداف مهم توسعه پایدار، رسیدن به عدالت اجتماعی است، لذا بحث «گفتگوی تمدنها» در اینجا مفهوم و جایگاه ویژه‌ای می‌یابد. یعنی مبحث «گفتگوی تمدنها» و توسعه پایدار هر دو در جهت رسیدن به عدالت اجتماعی و کاهش نابرابریها حرکت می‌کند و از آنجا که رئیس‌جمهور ایران آغاز کننده و شوربسیں «گفتگوی تمدنها» است، لذا جای استراتژیک ایران در آینده ارزش بیشتری پیدا می‌کند. پیامبران خدا هم آمده‌اند تا عدالت برقرار بشود. قرآن مجید به صراحت می‌گوید که هدف از بعثت پیامبران این بوده که مردم به عدل و قسط قیام کنند. همین معنار از انجیل و تورات هم می‌شود به دست آورد. به گفته آقای خاتمی، «بعد از گذشت دهها قرن از بعثت پیامبران، و حدود ۲۵۰۰ سال از دوران افلاطون، و حدود ۲۰۰۰ سال از میلاد حضرت مسیح، و ۱۴۰۰ سال از میلاد پیامبر(ص)، امروز هم در پایان قرن بیستم، مهمترین پرسش ما این است که عدالت چیست؟ بخصوص در این قرن که قرن بسیار سختی برای بشر بوده است. البته باید بپذیریم که بشر در طول این مدت به مفهوم واحدی در مورد عدالت نرسیده است. ما همواره باید با شیوه‌آزمایش و خطا در این زمینه پیش برویم و گفت‌وگو کنیم؛ دائماً باید نزدیکتر بشویم به معنی واقعی عدالت و از مهمترین موضوعات گفتگوی تمدنها بحث از دیدگاههای تمدنی مختلف در مورد عدالت خواهد بود و یکی از بی‌عدالتی‌هایی که در طول تاریخ به بشر شده است فقدان زندگی انسان از محبت بوده است. بکشیم بر اساس محبت، عدالت، همدلی و گفت‌وگو، مصداقی از عدالت پیدا کنیم که برای همه بشر بتواند زندگی بهتری در قرن بیست و یکم تأمین کند و از سوءاستفاده سیاستمداران از قدرت، به نفع عدالت جلوگیری نماید.» ۵۵

پانوشتها و منابع:

۱. شکویی، حسین، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، انتشارات گیتاشناسی، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۱۰۵.
۲. همان، ص ۴۰.
3. David, Harvey, **Social Justice and the City**, Edvard Arnold.
۴. شکویی، پیشین، ص ۱۰۶.
۵. در تبیین زمانی، منطقی است که ابتدا فرآیند و سپس فرم مورد بحث قرار گیرد زیرا از نظر زمانی، فرم از فرآیند ناشی می‌شود. فرم و فرآیند با آن که یکی نیستند، جدایی ناپذیرند و تعادل بین فرم و فرآیند یکی از معیارهای مهم در سنجشهای جغرافیایی است. (همان، ص ۱۰۷)
۶. شکویی، حسین، جغرافیای کاربردی و مکتبهای جغرافیایی، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، اردیبهشت ۱۳۶۴، ص ۱۵۶.
۷. مأخذ، کتاب زیر، ص ۱۰.
- هزاره گفت‌وگو و تفاهم، گزارش سفر حجّت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری اسلامی به سازمان ملل متحد، نشر رسانش، چاپ اول، بهار ۱۳۷۸.
۸. زمردیان، محمدجعفر، اصول و مبانی عمران ناحیه‌ای، چاپخانه طلوع آزادی، چاپ اول، سال ۱۳۶۴، ص ۳۶.
9. economic development.
10. expand.
11. GNP.
12. Dube.
13. GNP.
14. GNW.
15. Warner.
16. Weber.
17. Mills & Gerth.
18. Dong Kim.
19. Paiva.
۲۰. کلاتتری، خلیل، «مفهوم و معیارهای توسعه اجتماعی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۳۱-۱۳۲، سال دوازدهم، شماره ۱۱ و ۱۲، مرداد و شهریور ۱۳۷۷، ص ۲۰۹.
۲۱. «انسجام اجتماعی» مربوط است به نیروهای اجتماعی

○ توسعه پایدار انسانی، مفهومی جامع‌تر از توسعه پایدار دارد. الگوهای توسعه‌ای که بی‌عدالتی‌های کنونی را تداوم بخشند، نه پایدار است و نه ارزش حفظ شدن دارد.

صدق می‌کند؛ اینکه آنها چگونه از این فرصتها استفاده می‌کنند و چه نتایجی به دست می‌آورند، به انتخاب خودشان مربوط می‌شود. لکن باید حق انتخابی در حال حاضر و نیز در آینده داشته باشند.

- گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴، پیشین، صص ۱۹-۲۰.

26. Robert, Allen, **How to Save the World**, London: Kegan Poul, 1980, p. 27.

27. Mostafa Tolba, **Sustainable Development: Constraints and Opportunities**, London: Butterworth, 1987, p. 37.

28. J. Coomer, **Quest For a Sustainable Society**, Oxford: Pergamon, 1979, p. 47.

29. Michel Redclift, **Sustainable Development: Exporting the Contradictions**, London: Methuen. 1987, p. 17.

30. R.K. Turner, **Sustainable Environmental Management**, London: Belhaven, 1989. p.7.

31. WCED. **Our Common Future**. Oxford: Oxford Press, 1987. p.46.

۳۲. گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴، پیشین، صص ۲۶.

۳۳. توسعه پایدار گاهی ممکن است از روی بی‌دقتی به این معنا تعبیر شود که سطح و الگوی فعلی توسعه را باید برای نسلهای آینده نیز حفظ کرد که چنین تعبیری کاملاً نادرست است. برعکس، توسعه انسانی پایدار مردم را در مرکز توسعه قرار می‌دهد و قدرتمندانه این مطلب را یادآوری می‌کند که نابرابریهای امروز چنان عمیق است که حفظ شکل کنونی توسعه، تنها به معنای تداوم بی‌عدالتیهای مشابه برای نسلهای آینده خواهد بود. جوهر توسعه انسانی پایدار عبارت از این است که همه مردم، چه اکنون و چه در آینده، باید به فرصتهای توسعه دسترسی داشته باشند. (متبع قبلی، صص ۲۸).

۳۴. محمدی، تیمور، بعد فرهنگی توسعه، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶، صص ۴۳.

۳۵. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک. امینی، امیر هوشنگ، توسعه پایدار؛ شناخت مفهوم، شناخت راه، مجلس و پژوهش، نشر مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۲، سال دوم، آبان و آذرماه ۱۳۷۳، صص ۱۲۰.

۳۶. به عبارت دیگر «جغرافیا علم شناخت محیط و پدیده‌های موجود در آن است». این پدیده‌ها اعم از اینکه به شکل طبیعی وجود داشته باشد یا اینکه در نتیجه رابطه

که منجر به وحدت و یکپارچگی انسانها می‌گردد. از طریق انسجام اجتماعی انتظار می‌رود تضاد و کشمکش، که از هر نوع تفاوت در فرهنگ، اعتقادات سیاسی یا علائق اقتصادی نشأت می‌گیرد از بین برود. منظور از «کیفیت زندگی»

ارتقاء و افزایش تسهیلات و خدمات زیربنایی، شامل آموزش، بهداشت، حمل و نقل، ارتباطات، تغذیه و غیره است، و انتظار می‌رود که هر سیستم اجتماعی به ارائه خدمات با کمیت و کیفیت مناسب بپردازد به گونه‌ای که امکان دسترسی همه افراد جامعه به این تسهیلات فراهم گردد و سرانجام این که توسعه اجتماعی در هر جامعه‌ای آشکارا در ویژگیهای جمعیتی و کیفیت آنها منعکس می‌گردد و انتظار می‌رود این فرآیند منجر به ارتقاء کیفیت افراد جامعه گردد.

به نقل از کلاتری، پیشین، صص ۲۱۱.

۲۲. همان، صص ۲۱۲.

۲۳. اکبری، نعمت‌الله، مباحثی از توسعه در ایران، نشر هشت بهشت، سال ۱۳۷۸، صص ۱۷-۱۶ به نقل از: گزارش توسعه انسانی، ترجمه غلامحسین صالح‌نسب، وزارت جهاد سازندگی، ۱۹۹۵.

۲۴. توسعه باید همه افراد را قادر سازد که تواناییهای خود را تا بیشترین حد ممکن توسعه دهند و این تواناییها را به بهترین وجه ممکن در همه زمینه‌ها - اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی - به کار گیرند.

جهانشمولی مطالبات حیاتی رشته مشترکی است که بویژه در ارتباط با لزوم حفظ و احیای محیط زیست برای آینده، نیازهای امروز توسعه انسانی را به الزامات توسعه فردا پیوند می‌دهد. الزام اخلاقی به تضمین فرصتهایی برای نسلهای آینده همانند فرصتهایی که در اختیار نسلهای پیشین قرار داشته است، محکمترین دلیلی است که می‌تواند در ارتباط با ضرورت حفاظت از محیط زیست اقامه شود. این تضمین اساس توسعه پایدار را تشکیل می‌دهد.

(گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴، ترجمه قدرت‌الله معمارزاده، سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول، سال ۱۳۷۴، صص ۱۰۹).

۲۵. منظور از عدالت توزیعی تقسیم عادلانه فرصتهای توسعه بین نسلهای کنونی و آینده است (عدالت در توزیع فرصتها اهمیت دارد، نه توزیع عدالت در کامیابیها). هر کس حق دارد که با برخورداری از فرصتهایی برابر با دیگران، تواناییهای بالقوه خود را به بهترین وجه ممکن مورد استفاده قرار دهد. این مطلب در مورد هر نسلی از نسلهای بشری

○ هم‌اکنون در جهان
آزمون تازه‌ای از فضا،
مکان، زمان، ژئوپلیتیک و
سرمایه در جریان است.
در این جریان، تنشهای
سخت میان جهان‌گرایی و
ناحیه‌گرایی، سوسیالیسم
و مصرف‌گرایی، حقیقت و
مجاز و... آغاز شده
است.

○ «گفتگوی تمدن‌ها»

راهی است برای رسیدن به عدالت در همه عرصه‌ها و مکان‌ها. از آنجا که یکی از اهداف مهم «توسعه پایدار» نیز دستیابی به عدالت اجتماعی است، این دورا می‌توان همسو و در جهت کاهش نابرابریها ارزیابی کرد.

انسان با محیط به وجود آمده باشد، به علت اشغال فضایی و قرار گرفتن در بستر محیط به خودی خود در حیطه مطالعات جغرافیایی جای می‌گیرد. شهر نیز از پدیده‌های گروه دوم، یعنی تبلور نوع خاصی از رابطه انسان در محیط جغرافیایی است که در چارچوب طر‌حهای توسعه شهری امری ضروری برای دستیابی به اطلاعات پایه‌ای از محیط است. (منبع قبلی، ص ۳).

۳۷. رهنمایی، محمد تقی، جغرافیا، ص ۸.

۳۸. شکویی، اندیشه‌های نو در...، ص ۴۹.

۳۹. خصیصه‌های عمده هر سیستم را می‌توان به این شرح خلاصه کرد:

الف - کلیت: از خصیصه‌های اصلی هر سیستم و متضمن سلسله مراتب است. سیستمها همواره از رده‌بندی ساختی یا رفتاری برخوردارند، به این معنا که عناصر سیستمها در سطوحی از فرم یا عملکرد واقعند. هر يك از سطوح سیستم کاملی است که همچون عنصری برای کل سیستم عمل می‌کند و نیز هر مرتبه‌ای از این سلسله‌مراتب، نمایانگر عنصری از مرتبه بالاتر و سیستمی نسبت به مرتبه پایین‌تر از خودش می‌باشد...

ب - عنصر: مراد از عنصر، کوچکترین واحد سیستم است که قادر به اجرای يك کارکرد (نقش) نسبتاً مستقل است. این ویژگی کارکردی عناصر، بیانگر فعال بودن همه عناصر در درون سیستم است. برای مطالعه بیشتر ر. ک. به:

- و. ن. سادوسکی، ا. و. بلاوبرگ، ا. گ. یورین، نظریه سیستمها، ترجمه کیومرث پریانی، نشر تندر، ۱۳۶۱.

پ - ارتباط: از مشخصات اصلی سیستم، ارتباط میان عناصر آن است؛ عاملی که بیش از وسعت سیستم اهمیت دارد. پس تعادل و توازن سیستم به عناصر تشکیل دهنده آن بستگی خواهد داشت. (شکویی، جغرافیای کاربردی و مکتبهای جغرافیایی، ص ۱۲۸).

۴۰. براین‌بری Brain Bery... ثوری سیستمها را در مطالعات شهری به کار می‌گیرد. مفهوم «سیستم شهری» مبنی بر وجود مجموعه‌ای از مراکز شهری - ناحیه‌ای است. در این نگرش، هر شهرک و هر شهر دارای منطقه نفوذی است که با هم کل زمینهای شهری حوزه نفوذ را دربرمی‌گیرد. کارکردهای اقتصادی میان این نواحی براساس ملاکهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی توزیع شده است. پاره‌ای از کارکردها در همه جا وجود دارد و حتی در پایین‌ترین نظام سلسله‌مراتب مکان مرکزی نیز یافت می‌شود و پاره‌ای دیگر تنها به مکانهای ویژه اختصاص یافته است... سیستم مورد بحث ما، به وسیله شبکه‌ای از

راهها، جریان کالا، خدمات، عقاید، سرمایه‌ها و نیروی کار، قابلیت نظام‌پذیری و کلیت یافتن را دارا می‌باشد. (شکویی، حسین، جغرافیای کاربردی...، ص ۱۴۸).

۴۱. همان، صص ۱۳۸-۱۳۷.

۴۲. همان، ص ۱۴۶.

۴۳. منظور همان نابرابریهای اجتماعی - اقتصادی است که ناشی از فقدان یا کمبود دسترسی به نیازهای اساسی از جمله شغل، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش، امنیت اجتماعی و غیره است.

44. quantitative.

45. model - building.

46. better - off.

۴۷. «چه کسی»، اشاره دارد به جمعیت ناحیه تحت بررسی (شهر، منطقه، کشور یا حتی کل جهان) که براساس طبقه، نژاد یا سایر ویژگیهای مربوطه گروه‌بندی می‌شود.

«چه چیزی»، اشاره دارد به انواع فواید و زیانهای به صورت کالاها، خدمات، کیفیت زیست محیطی، روابط اجتماعی و غیره متوجه جمعیت می‌شود.

جغرافیای رفاه، نگرشی در جغرافیای انسانی است که در مورد مسأله نابرابریهای اجتماعی در کشورهای رشد یافته، در حدود سه دهه است ارزیابی معضلات اجتماعی - اقتصادی را مدنظر دارد.

«کجا»، بازتابی از این واقعیت است که از آن طریق تفاوتهای مشهود به وجود می‌آید.

اولین وظیفه رویکرد رفاه، توصیف است. وضع موجود جامعه را با توجه به اینکه چه کسی، چه چیزی را در کجا به دست می‌آورد، می‌توان با بسط فرمول‌بندیهای انتزاعی اقتصاد رفاه نشان داد و هدف عملی آن، ارائه این موارد تجربی است.

۴۸. اسمیت م. دیوید، «جغرافیای رفاه»، ترجمه علی نوری کرمانی، مجله سپهر، دوره پنجم، شماره نوزدهم، پاییز ۷۵، صص ۵۴ و ۵۵.

۴۹. شکویی، اندیشه‌های نو در...، صص ۲۰۲-۲۰۱.

۵۰. همان.

۵۱. همان، ص ۲۰۳.

۵۲. همان، ص ۲۰۳.

۵۳. همان، ص ۲۰۴.

۵۴. همان.

۵۵. از سخنان جناب آقای خاتمی در مصاحبه با مدیران و سردبیران رسانه‌های بین‌المللی در نیویورک.